

عنوان مقاله:

علوم انسانی اسلامی به مثابه کاشف عقلانیت اسلامی

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت اسرا، دوره 4، شماره 2 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

حسن سبحانی

عطاء الله رفیعی آتانی

خلاصه مقاله:

در این مقاله با تفکیک «عقلانیت عملی» از «عقلانیت علمی و شناختی» نشان داده می شود که عقلانیت شناختی، مربوط به فاعل شناخت و عالم علوم انسانی است که اعتبار خود را از اعتبار عقلانیت پارادایم های فلسفه علم می گیرد. اما عقلانیت عملی که به «موضوع شناخت» علوم انسانی مربوط است، اعتبار خود را وامدار فلسفه و نظام اخلاقی است. به علاوه وظیفه عقلانیت شناختی در قلمرو علوم انسانی، فهم روشمند رفتارها و کنش های آدمی است و از آن جهت که انسان ها رفتاری را به عمل می آورند که اخلاقا درست می دانند، فرضیات در علوم انسانی که روایتی اولیه درباره شناخت کنش ها و رفتارهای آدمی است دارای ماهیت اخلاقی است؛ چون نشانگر نظام عقلانیت در عمل انسان ها است. اما اثبات فرضیات، با روش های واقع نمایی علمی، امکان پذیر است. علوم متعارف انسانی عموماً حاوی نظریاتی است که در صدد شناساندن دستگاه عقلانیت در عمل مردمان جوامع غربی است. بر فرض تایید چنین دستگاهی، درمی یابیم که آنها به فلسفه اخلاق زندگی خود پایبندند. در این مقاله نشان داده می شود که عقلانیت اسلامی عملی، یک «عقلانیت فازی» است که می تواند رفتار همه انسان ها را توضیح دهد. بنابراین، علوم انسانی اسلامی، جهانی تر از علوم متعارف انسانی است. یادآور می شود که اسلام در این مقاله، برای عقلانیت و علوم انسانی، قیدی شناختی و نه قیدی جامعه شناختی و فرهنگی است.

کلمات کلیدی:

عقلانیت شناختی، عقلانیت عملی، فلسفه اخلاق، عقلانیت اسلامی، علوم انسانی اسلامی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1399063>

